



طاووس آل طاووس و تنها معصومی در بین علمای غیبت کبراست که من در عصمت او شک ندارم». و علامه حلی در نقلی که مجلسی در بحار الانوار آورده گوید: «رضی الدین علی برتر از تمام فقیهان شیعه بود و دارای کراماتی بود که برخی از آن‌ها را تنها ائمه دارا بودند و پاره‌ای از آن‌ها را که جامعه توان پذیرش آنها را نداشت پدرم برای اصحاب راز باز گو کرد و من از او شنیدم». البته سخنان اغراق گونه درباره وی بسیار گفته شده و از جمله این که عالمان مکتب فضلیه بر این عقیده هستند که رضی الدین سید ابن طاووس در بدو تولد دارای علم لدنی بوده است یعنی علمی که بدون تعلیم و تعلم و بی واسطه به دست آمده باشد و شخص سید ابن طاووس را مصداق عینی تعبیر آیه ۶۷ سوره کهف می دانند: «وَعَلَّمَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» [۷] اما در برخی منابع اساتیدی برای او ذکر شده است که او در دوران طفولیت قرآن را نزد آنها قرائت نموده یا احکام الهی که در قلب او بوده و از دانشان باز گو کرده و آنها بر صحت آنها و بی واسطه بودن این احکام از آنچه ائمه می گفته اند را تأیید کرده اند.

حافظ رجب برسی و باز گشت به مشهورات

پس از فروکش کردن ماجرای فتح بغداد و باز گشت اهل سنت به دار الخلافه، جهان اسلام، سرزمین پهناوری بود که یک چند زیر سم اسبان تیمور پایمال شد و سپس در میان او لادو نوادگانش به یک ملوک الطوایفی دودمانی - عشیره ای، تقسیم شد. در همین دوران ایدئولوژی تشیع پرشوری که قبلاً سید بن طاووس نمایندگی می کرد، با برجسته ساختن مفهوم امام و انسان کامل، در کنار نهضت‌های تصوفی رشد کرد و گسترش یافت. درک عقاید شیعیان با نگاهی به زندگی و باورها و اندیشه‌های تنی چند از تئوریسین‌های شیعه میسر است و بس.

یکی از نمایندگان برجسته ایدئولوژی، حافظ رجب برسی بود که تا امروز میان علما و بزرگان شیعه درباره وی سخنان ضد و نقیضی گفته شده است. رجب بن محمد بن رجب حلی (حدود ۷۴۳ق - درگذشته پس از ۸۱۳ق) مشهور به حافظ رجب برسی، محدث و عارف شیعه قرن هشتم بود. مشارق انوار الیقین مهم ترین اثر او است. در این کتاب روایاتی را همانند «خطبة طنّجیه» نقل می کند که در دیگر آثار شیعه یافت نمی شود. او باور خود را مطابق عقاید مشهور شیعه می داند؛ با این حال برخی او را به غلو متهم کرده اند و برخی نظرش را شاذ دانسته اند. شیخ حر عاملی به دلیل اتهام غلو او را توثیق نمی کند. اما او کیست و به واقع چه کرده است؟ در اینجا بر اساس آنچه عبدالله افندی در ریاض العلماء (قم، ۱۴۰۱)، در احوال و صفات و اقوالش نوشته، مطلب کوتاهی می آوریم:

رضی الدین حافظ رجب بن محمد بن رجب حلی، نامش رجب و ملقب به حافظ است. افندی در ریاض العلماء حافظ را تخلص شعری می داند. او خود را «رجب الحافظ» خوانده است. (تخلص او در اشعار «حافظ برسی» یا «حافظ» است. بر سر راروستایی میان کوفه و حله یا روستایی در خراسان دانسته اند). بییتی از او دلالت دارد که او در برس متولد شده و در شهر حله زندگی کرده است. اما او به واقع یک ایرانی پرشور بود. نام او (رجب)، تخلص داشتن در شعر، نام بردن از نام‌های ایرانی مانند افراسیاب و لهراسب و... در آثارش، ایرانی بودن یا اقامت در ایران را برای او امری ممکن می شمارد. مهمترین اثر وی مشارق انوار الیقین؛ تألیف در ۷۷۳ق است و تحریر دوم آن در ۸۱۳ق تألیف شده است. مشارق مهم ترین اثر برسی است. مجموعه‌ای از روایات و شرح آنها درباره ولایت امیرالمؤمنین و ائمه است. این کتاب بسیار بر مخاطبان و عامه شیعه اثر گذار بوده و بارها چاپ و ترجمه و خلاصه‌هایی از آن منتشر شده است.

تذکره نویسان تا چند قرن از او سخن نگفته اند. حر عاملی و عبدالله افندی اصفهانی در قرن دوازدهم از او یاد کردند. مشارق الانوار برسی از همان سده ۹ق در برخی محافل امامیه کتابی شناخته شده است. کفعمی در اواخر سده هشتم از مشارق انوار الیقین نقل می کند. و پس از او دیگران عالمان از این کتاب استفاده کرده اند. تاریخ ولادت و وفات او نامعلوم است. در مشارق می گوید که این کتاب را ۵۸۰ سال پس از ولادت حضرت مهدی نوشته است.

اما نکته جالب و بسیار مهم درباره او این است که دو عالم و رجال شناس بزرگ و وثیق، یعنی شیخ حر عاملی در وسایل الشیعه و عبدالله افندی در ریاض، او را محدث، فقیه، ادیب و پس از آن «صوفی» خوانده اند.



دین و مذهب در تاریخ بخش چهارم

سقوط خلافت و نهضت امامیه

هجری و استاد علامه حلی است. پیروان مکتب او امروزه با نام جعفری فضلی یا مذهب فضلیه در ایران و عراق و شمال آفریقا ساکن هستند. نسب سید بن طاووس از جانب پدر به حسن بن علی (ع) امام دوم شیعه و از جانب مادر به حسین بن علی (ع) امام سوم شیعیان می رسد. در باور خاص و پرشورش به امامت و نقش انسان کامل و امام غایب در سر نوشت جهان همین بس که در تمام سیره های این مرد نوشته اند که: «... دو مرتبه موفق به دیدار حجت بن الحسن (عج) شده است و آن امام مؤید سید بوده است». سید بن طاووس به خاطر قیام خود و همچنین آثار فراوانش که به عقیده تمام مذاهب شیعه دست نخورده و دور از بدعت باقی مانده است معروف است. برادرش سید رضی بن طاووس یعنی جمال الدین احمد (م ۶۷۳ق) هم از عالمان بزرگ شیعه در قرن هفتم بود. هو لا کو که بعد از فتح بغداد این العلقمی را حکومت آن شهر بخشید، سید بن طاووس را نیز به نقابت سادات آنجا گماشت (سال ۶۶۴ هجری) و او شغل خود را تا پایان عمر نگاه داشت. سید در روز جمعه بیستم صفر ۶۳۶ هجری در سن ۶۶ سالگی در گذشت و به دلیل مخالفت خلیفه وقت، اجازه ندادند در حرم علوی آرام یابد، این امر از کینه ورزی نسبت به نقش و اعتبار او حکایت دارد. سرانجام در همان زادگاهش به خاک سپرده شد و بقعه او با نام حرم النور یکی از عتبات مورد احترام شیعیان است. مدارج علمی و مقامات سید بن طاووس شبیه اولیا و صوفیان عالی مرتبه است.

این طاووس ابتدا در شهر بلد و نزد پدر و جدش، سید علی ورام بن ابی فراس، علوم مقدماتی را آموخت. سپس برای تحصیل دانش از بلد به کاظمین و سپس بغداد مهاجرت کرد. او در اندک زمانی از هم شاگردی های خود سبقت گرفت. وی در کتاب معروفش کشف المحجبه (صص ۱۶۹-۱۶۷) می نویسد: «وقتی من وارد کلاس شدم آنچه را دیگران در طول چند سال آموخته بودند، در یک سال آموختم و از آنان پیشی گرفتم». به مدت دو سال و نیم به تحصیل فقه پرداخت و پس از آن خود را از استاد بی نیاز دید و بقیه کتب فقهی عصر خویش را به تنهایی مطالعه نمود. او در سال ۴۹۰ هجری و مدت شش سال در آنجا (بغداد) به تربیت شاگردان و تدریس علوم مختلف پرداخت و چون به دلیل جایگاه پر نفوذ خود تحت فشار دولت عباسی قرار گرفته بود از بغداد به زادگاه خود بلد بازگشت و قیام نمود. شیخ عباس قمی در القوائد الرضویه (ج ۱، ص ۵۲۴) نویسد: «سید رضی الدین اباعلی عالمی بزرگوار، باتقوا، زاهد، سعادتمند، عارف، پیشوای شیعیان، چراغ هدایت امت اسلامی، صاحب کرامات ائمه،

ظهیر خواجه نصیر الدین طوسی و سید بن طاووس در هنگام حمله به بغداد و برانداختن خلافت عباسی، نقطه عطف تحول در تاریخ تشیع و برآمدن فکر و باورهای شیعیان بود. خواجه بالهای



سید مسعود رضوی

عباسیان را با مقرض هلاکو قیچی کرد و این طاووس فاطمیان از رونق انداخت و اجازه نداد از خلاء غیاب و فقدان عباسیان بهره سیاسی گیرند. خواجه نصیر را می شناسیم و برای آشنایی با سید بن طاووس، چند کلمه می گویم. زیرا او نخستین نماینده شورشگر بر نظام چیره و باورمند به انسان کامل و امام غایب بود. امری که فاطمیان مصر و اسماعیلیه نیز به گونه ای دیگر بدان باور داشتند و در نتیجه با هم ان ایده و منطق، در ماجرای سقوط بغداد توسط سید ابن طاووس خلع سلاح و منزوی شدند.

با حمله طراحی شده توسط خواجه نصیر الدین و اجرا شده توسط هلاکو، نخستین حاکم قدرتمند ایرانی و شیعه پس از آل بویه و دیلمه بر کار آمد و بر سریر نشست. حکومت کوتاه مؤید الدین ابو طالب محمد بن احمد العلقمی (۵۹۳هـ - ۶۵۶هـ / ۱۲۵۸-۱۱۹۷ م)

معروف به «مؤید الدین بن العلقمی» عالم و وزیر شیعه المستعصم بالله، تا پایان دوران خلافت عباسی و سقوط بغداد به سال ۱۲۵۸ توسط مغولان بود. هلاکو پس از تصرف بغداد، العلقمی شیعه و ایرانی را با سمت وزارت، حاکم بغداد کرد. در مورد او روایات متناقض وجود دارد. بسیاری از مورخین عرب مثل ابن کثیر و ابن تبری می گویند این وزیر شیعه مذهب با هلاکو خان برای سقوط خلیفه سنی مذهب همکاری کرد. برای همین هم پس از سقوط خلافت عباسی به حکومت بغداد منصوب شد. برخی مانند رشید الدین همدانی می گویند خلیفه به نصایح او گوش نکرد و برای همین سرنگون شد.

برآمدن تشیع در شمال و نظام و آداب نوین در تاریخ، از همین زمان آغاز می شود و با تأسیس سلسله صفویه می بالد و پایدار می شود. خواجه نصیر که ابتدا در پیوند با اسماعیلیان نزاری الموت بود، به زودی متوجه سیستم هزار لایه و مسایل شورش و ناگوار و انزوا ی آنان شد. پس از آنان دل کند و به شیعیان امامی دل داد که در همه جا، از شام تا دربارهای خلیفه در بغداد، از خانقاه ها و رباطها تا مساجد و شهرهای بزرگ شیعه نشین ایران و نیز در حریمهای ایبه و حتی حجاز حضوری محسوس و متین داشتند. پس در وزارت هلاکو خان مغول، به معماری نظم نوین جهان اسلام و بر کشیدن مذهب شیعه اهتمام نمود. در این حضور فاطمیان مصر، مشکلاتی برای غلبه و تثبیت تشیع امامی ایجاد کرد و این بخش هم با شورش سید بن طاووس به آخر رسید و نخستین خلافت شیعی در بغداد و ایران و بخشهایی از آسیای صغیر و آناتولی و شامات برقرار شد.

این مقدمات، در قرون هشتم و نهم، بنیه تصوف را به تشیع متمایل ساخت و تا دو قرن بعد، برای شیعه دوران فترت بود. فترتی که پس از آن، احیا شد و نهضت شیعه امامیه به همت پیروان پرشور در ایران استقرار یافت. پس تجدید اقتدار امامیه میسر و پرچم شیعیان برافراشته شد. این نهضت بر مبنای سنن نهانی و تعلیمات پراننده، طی قرن‌ها، بالیده بود و اینک نمایندگان معنوی تازه ای یافته بود و اساس نوینی را بر مبنای دعای و اصول سابق و ثابت دنبال می کرد.

تقابل شیعیان بر محور ایران و در سرزمین پهناوری که ریشه نهضت‌های فکری و جنبش های اجتماعی و فرهنگی بزرگ و نبردهای سیاسی و میدانی سر نوشت ساز بود، ریشه در رنج و بی عدالتی مستمری بود که از عهد اول، توسط نژادپرستان عرب، امویان و عباسیان به مردم ایران و دیگر بلاد مفتوحه تحمیل شد و پس از سده ها با یورش و تعرض و غارت عثمانی، به تضادی غیر قابل رفع بدل شد. پس در قرون هشتم و نهم علویان در همه جا با پرچم امامت پرکنده

شدند. ابتدا در باره سید بن طاووس و سپس سه نماینده بزرگ شیعه مردمی و شور آور، یعنی سید حیدر املی، حافظ رجب برسی و واعظ ملاحسین کاشفی سخن خواهیم گفت و اهمیت بی بدیل کتاب روضه الشهدا را در پرداخت تاریخ مقدس شیعه و نهضت عاشورا، و بر ساخت نظام و جامعه شیعی در ایران، مورد بررسی قرار خواهیم داد. برآمدن صفویه و جاری شدن سیل قزلباشان و صوفیان و شیعیان به همراه ایشان در مملکت ایران، با تمام نتایج خوب و بد آن، از این نقاط عطف سر چشمه گرفته است.

سید بن طاووس و حضور نظری و عینی شیعه
امام الفضلیه علی بن موسی بن طاووس (۵۸۹-۶۶۴ هجری) معروف به سید بن طاووس از سادات معروف حله، از عالمان بزرگ مذهب شیعه جعفری سده هفتم



نمایی از مقبره حافظ رجب برسی